

اقساطش برمی‌گردد و خیلی کارهای دیگر. بیمه فعالیت‌هایتان را خودم انجام می‌دهم، نرخ‌گذاری را به گونه‌ای انجام می‌دهم که در عمل شما بتوانید بازگشت سرمایه‌تان را تضمین کنید و... این روش سوم هست.»

مزایا و معایب روش مشارکتی اداره امور عمومی

دکتر هداوند در بیان مزیت‌های روش سوم گفت: «در [روش] اولی‌ای که دولت خودش کار انجام می‌دهد، خودش کارفرما هست منابع مالی را کامل خودش باید تضمین کند، در دومی که اصلاً منابع مالی ندارد، بخش خصوصی است فقط تنظیم‌گری می‌کند، در سومی می‌خواهد پروژه را اجرا کند اما بدون وابستگی به بودجه

شود آن عوارض‌ها را برمی‌دارند.»

نابرابری؛ بزرگ‌ترین عیب مشارکت عمومی خصوصی

هداوند عیوب مشارکت عمومی خصوصی را اینگونه تشریح کرد: «ایراد جدی‌اش این هست که در واقع نابرابری‌ها را تا بخش زیادی تشدید می‌کند. وقتی که پروژه‌ای را اجرا می‌کنید بعد می‌گویید شما باید... شمایی که در جاده مسافرت می‌کنید، بعد وقتی وارد جاده می‌شوید پولش را به من بدهید. این یعنی خیلی از افراد که به دلیل عدم توانایی پرداخت هزینه‌های خدمات، قابلیت استفاده از این‌ها را ندارند، به اصطلاح این پروژه‌ها مقداری گرایش‌های سرمایه‌داری دارند. پس اصولی که بر خدمات عمومی حاکم است

فقر ساختار تنظیم‌گری در لایحه

عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی در نقد لایحه افزود: «یکی بحث کاستی‌ها و فقر ساختار تنظیم‌گری در این لایحه است. در لایحه شما یک شورای راهبری ملی دارید، یک کارگروه توسعه. ساختار شورای راهبری ملی از آن شوراهایی است که هیچ‌وقت تشکیل نمی‌شود. آب که در ایران اینقدر معضل است چند سال یک بار هم شورای عالی سیاست‌گذاری آب تشکیل نمی‌شود، چرا؟ اینقدر مقامات بالا گرفتند که این عملاً [انجام نشدنی است]. در ساختار این شورا از ۱۳ عضو شش عضو را بخش خصوصی تشکیل می‌دهد: یکی رئیس اتاق بازرگانی، رئیس اتاق تعاون، چهار صاحب‌نظر بخش خصوصی با معرفی رئیس اتاق بازرگانی. یعنی باز هم اینجا... بنابراین

۹۹ اصل برابری در برخورداری از خدمات عمومی اینجا نقض می‌شود، چون من دیگر به صورت برابر به خدمات عمومی دسترسی ندارم، چون هرچه پول بدهید آتش می‌خورید، هرچه پول دهید می‌توانید از این سرویس‌ها استفاده کنید لذا به همین دلیل در رویکرد جدید آمدن بخش social یا اجتماعی این قراردادها را تقویت کردند. ۶۶



شما شش عضو از ۱۳ تا... بخش خصوصی در اینجا خیلی نقش [پرنرنگی دارد]. یک عضو بخش خصوصی در یک نهاد دولتی زیادی است یعنی خیلی کار را سخت می‌کند و می‌تواند لابی‌ها را تغییر دهد، چه برسد به اینکه نزدیک به نصف اعضا را در واقع بخش خصوصی در این ساختار تشکیل دهد و ما در رگولاتوری به آن می‌گوییم capturing یعنی بخش خصوصی می‌آید تسخیر می‌کند. شما فکر می‌کنید که دولت بافیس دولت با شما صحبت می‌کند، اما وقتی نقابش را برمی‌دارد می‌بینید بخش خصوصی دارد با شما صحبت می‌کند یعنی به گونه‌ای بخش خصوصی تمام ارکان تصمیم‌گیری در دولت را capture می‌کند و که دیگر در واقع خود بخش خصوصی برای بخش خصوصی را تنظیم می‌کند. غلبه این طور لوابیح در

مثل رایگان بودن خدمات عمومی اینجا نقض می‌شود. اصل برابری در برخورداری از خدمات عمومی اینجا نقض می‌شود، چون من دیگر به صورت برابر به خدمات عمومی دسترسی ندارم، چون هرچه پول بدهید آتش می‌خورید، هرچه پول دهید می‌توانید از این سرویس‌ها استفاده کنید لذا به همین دلیل در رویکرد جدید آمدن بخش social یا اجتماعی این قراردادها را تقویت کردند. الان صحبت می‌کنند از مشارکت‌های عمومی - اجتماعی - خصوصی و دوره گذار تعریف می‌کنند، نرخ ترجیحی تعریف می‌کنند. یکی از چیزهایی که در این لایحه کاملاً مفقود است و بالعکس اتفاقاً غلبه رویکرد سرمایه‌داری در آن هست همین نکته است که اصلاً به جنبه اجتماعی توجهی در این لایحه نشده است.»

عمومی. در واقع در مشارکت عمومی خصوصی این ویژگی وجود دارد که اساساً پروژه را می‌توانید بدون یک ریال وابستگی به بودجه اجرا کنید. من می‌توانم جاده بزنم بدون اینکه یک ریال از بودجه عمومی خرج شود. من می‌توانم بیمارستان بزنم، بندرگاه، پالایشگاه، نیروگاه بزنم بدون اینکه یک ریال از منابع عمومی خرج شود، به چه ترتیب؟ به این ترتیب که در دوره بهره‌برداری، مصرف‌کننده هست که پول خدمات را می‌دهد و از محل آن پول سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مستهلک می‌شود، اقساط پرداخت می‌شود، سود بانک‌ها پرداخت می‌شود و پروژه اجرا می‌شود. مثل جاده‌هایی که الان جلوی عوارضی دارد؛ شما وقتی وارد جاده می‌شوید آن عوارض را پرداخت می‌کنید. در واقع در یک دوره ۲۰-۳۰ ساله دوره operation که تمام